

بسم الله الرحمن الرحيم

شیعه کیست و چه می‌گوید؟

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «شیعه کیست و چه می‌گوید؟» درباره‌ی ظهور تشیع، مبانی اعتقادی شیعه و معرفی اسلام حقیقی، سخن خواهیم گفت.

درس اول: مقدمه‌ای بر ظهور تشیع

کلمات کلیدی: شیعه کیست؟ تشیع چیست؟ مؤسس شیعه، تاریخچه شیعه، عوامل ظهور تشیع، خلافت

معنای شیعه

واژه‌ی «شیعه» از ریشه‌ی «ش ی ع» و به معنای مشایعت کننده، همراه، یاور، تابع و پیرو است.^۱ به عنوان نمونه در قرآن کریم درباره‌ی یکی از پیروان حضرت موسی از واژه‌ی «شیعه» استفاده شده و همین طور درباره‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام. اما این عنوان، به مرور زمان، مفهومی خاص گرفت و تنها به افرادی اطلاق شد که پیرو و تابع جانشین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی علی علیه السلام بودند.^۲

^۱ قاموس قرآن، ج ۴، ص ۹۵؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۵۶.

^۲ "... فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ ..." یعنی: آن کسی که از شیعیانش (پیروان موسی) بود در مقابل دشمنش [از موسی] درخواست کمک کرد: قرآن کریم، سوره قصص، آیه ۱۵.

^۳ "... إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ..." یعنی: همانا از شیعیانش ابراهیم بود: قرآن کریم، سوره صافات، آیه ۸۳.

^۴ به عنوان نمونه مورخان و محققان متعدد، اینگونه شیعه را تعریف نموده‌اند:

- ابوالحسن اشعری (متکلم و بنیانگذار اشاعره در قرن ۳ و ۴ قمری) می‌گوید: "وَأَمَّا قِيلَ لَهُمُ الشَّيْعَةُ؛ لِأَنَّهُمْ شَاعِعُوا عَلِيًّا وَ يَقْدُمُونَهُ عَلَى سَائِرِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ" یعنی: به شیعیان، به این جهت شیعه اطلاق می‌شود که از علی علیه السلام پیروی نموده و او را بر سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مقدم می‌دارند: مقالات الاسلامیین، ص ۶۵.

به اعتقاد شیعیان، آخرین پیامبر خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و او به فرمان خداوند متعال، برای مردم پس از خود، دوازده هدایتگر و سرپرست معرفی نمود. این دوازده نفر که منتخب خداوند بودند، در زمان حیات پیامبر به همگان معرفی شدند. رسول اکرم از مردم عهد گرفت سرپرستی و هدایت خود را به دست این دوازده جانشین بسپرد؛ اولین جانشین، علی بن ابیطالب بود و پس از او فرزند بزرگترش امام حسن مجتبی، سپس امام حسین و بعد از ایشان ثنّه تن از نسل امام حسین، یکی پس از دیگری جانشین پیامبر خاتم شدند. دوازدهمین جانشین - «مهدی» - موعود همه‌ی ادیان آسمانی و نجات بخش الهی در آخرالزمان است که به دنیا آمده و تا روزی که خداوند فرمان ظهور دهد، به صورت ناشناس در میان مردم زندگی می‌کند.

از میان ایمان آوردندگان به پیامبر اسلام، عده‌ی اندکی به وصیت پیامبر و دستور صریح خداوند حکیم عمل نمودند و دوازده جانشین معرفی شده را به امامت و سرپرستی خود پذیرفتند. این گروه که تابع، یاور و فرمانبردار علی بن ابیطالب و یازده امام بعد از ایشان بودند، «شیعه» نام گرفتند و به مجموعه‌ی اعتقادات و باورهای آنها، «تشیّع» گفته شد.

تاریخچه‌ی تأسیس تشیّع:

- شهرستانی (مورّخ و متکلم شافعی اشعری در قرن ۶ قمری) می‌گوید: "الشیعة هم الذين شايعوا عليا علي الخصوص وقالوا بامامته وخلافته نضا ووصية" یعنی: به کسانی که فقط از علی علیه السلام پیروی نموده و امامت و خلافت او را به سبب نصّ و وصیت پذیرفته‌اند، شیعه اطلاق می‌شود: الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۰۷.

- ابن خلدون (مورّخ و جامعه شناس سنی مالکی مذهب در قرن ۸ قمری) می‌نویسد: "الشيعة لغة هم الصحب و الاتباع و يطلق في عرف الفقهاء و المتكلمين من الخلف و السلف على اتباع علي و بنيه" یعنی: شیعه در لغت به معنای همراه و پیرو است، اما در عرف فقیهان و متکلمان به پیروان علی و اولاد او اطلاق می‌شود: مقدمه ابن خلدون، ص ۱۳۸.

- شیخ مفید (فقیه و دانشمند شیعی در قرن ۴ و ۵ قمری) می‌گوید: "الشيعة من شايع عليا وقدمه علي اصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم اعتقد انه الامام بوصية من رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم وبارادة من الله تعالى ايضا" یعنی: به کسانی که از امام علی علیه السلام پیروی نموده و او را بر دیگر صحابه مقدم داشته‌اند، شیعه گفته می‌شود. آنها معتقدند که امام علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اراده خداوند متعال و وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان امام معرفی شده است: هویة التشيع، ص ۱۲، به نقل از شیخ مفید.

۵ حضرت محمد (ص) در آخرین سال حیات‌شان، از همه‌ی مسلمانان دعوت کردند از شهرها و روستاهای دور و نزدیک، در مکانی به نام «غدیر» گرد هم جمع شوند تا پیام مهم خدا را به آنها ابلاغ فرماید. در آن روز پیامبر به فرمان خدا، علی بن ابیطالب و ۱۱ فرزند از نسل ایشان را به عنوان جانشین خود و سرپرست مردم معرفی نمودند. ماجرای غدیر هم در منابع شیعی و هم در کتب اهل سنت ذکر گردیده. به عنوان نمونه می‌توانید مراجعه کنید به: مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۱۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۳، ج ۱۱۶؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۸۳، ج ۱۰: نقل از اعلام الوری.

عده‌ای زمان تأسیس تشیع را سال‌ها پس از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند؛^۶ حال آنکه قدمت «شیعه» و «تشیع» به بلندای تاریخ اسلام است. در واقع، مؤسس شیعه در اسلام، آخرین پیام آور خدا - محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم - است.

با استناد به منابع تاریخی قابل وثوق و به تایید عموم مسلمانان، نخستین شخصی که واژه‌ی «شیعه» را به کار برد، شخص رسول اکرم بود. پیامبر در موارد متعدد این کلمه را در مورد پیروان امیر مومنان علی بن ابیطالب استفاده می‌نمود که به عنوان نمونه می‌توان به روایت جابر بن عبدالله انصاری - یار و صحابی پیامبر - اشاره کرد. جابر چنین نقل کرده که: "در خدمت نبی اکرم (ص) بودیم که علی بن ابیطالب وارد شد. پیغمبر اکرم فرمود: **«قسم به کسی که جانم در دست اوست، این فرد و شیعیانش (پیروانش)، در روز قیامت رستگاراند.»** سپس این آیه نازل شد: «همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام می‌دهند، بهترین آفریدگان هستند»"^۷

با آنکه در برهه‌هایی از تاریخ، گاهی لفظ شیعه برای پیروان افرادی غیر از علی بن ابیطالب نیز استعمال شد - مانند شیعه‌ی معاویه که به طرفداران معاویه بن ابی سفیان گفته می‌شد - اما همانطور که پیش‌تر نیز گفته شد، به تدریج، این لفظ، معنای اصطلاحی ویژه‌ای پیدا کرد و تنها به پیروان امیر مومنان علی بن ابیطالب اطلاق گردید.

حال بینیم چرا شیعه، تابع علی و فرزندان علی شد.

عوامل ظهور تشیع

هیچ کس در هیچ دوره‌ای از تاریخ خلقت بشر، امتیازات و ویژگی‌های منحصر بفردی را که علی بن ابیطالب داشت، دارا نبوده و نیست. و اگر بر فرض محال قرار بود مردم - و نه خدا - بهترین و ممتازترین فرد را به

^۶ به عنوان نمونه برخی از تاریخ نگاران اهل سنت، ظهور تشیع را از ماجرای سقیفه می‌دانند. مانند ابن خلدون: تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۴. (سقیفه نام مکانی است که عده‌ای مخفیانه در روز رحلت پیامبر در آنجا جمع شدند و تصمیم گرفتند به جای علی بن ابیطالب که از جانب خدا و رسولش به عنوان جانشین پیامبر معرفی شده بود و مردم با او بیعت کرده بودند، یکی از بین خودشان را به عنوان خلیفه انتخاب کنند) و یا بعضی دیگر، شکل گیری شیعه را به مرگ عثمان ربط می‌دهند. مانند ابن حزم اندلسی: الفِصل، ج ۲، ص ۷۸.

^۷ "و أخرج ابن عساکر عن جابر بن عبد الله قال كنا عند النبي صلى الله عليه و سلم فاقبل علي فقال النبي صلى الله عليه و سلم **و الذي نفسي بيده ان هذا و شيعته لهم الفائزون يوم القيامة** و نزلت **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ** (سوره بینه، آیه ۷) فكان أصحاب النبي صلى الله عليه و سلم إذا أقبل علي قالوا جاء خير البرية": الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۳۷۹. مضمون این روایت در کتب شیعی نیز به وفور وجود دارد. مانند: بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۳. و تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۸۵، ذیل آیات ۶ تا ۸ سوره بینه؛ ام سلمه - همسر پیامبر - نیز چنین نقل کرده: "كان النبي صلى الله عليه و سلم عندی فاتته فاطمة فتبعها علی - رض - فقال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: يا علی! انت واصحابك فی الجنة، انت و شيعتك فی الجنة" یعنی پیامبر نزد من بود که فاطمه و به دنبال او علی علیه السلام وارد شدند. پیامبر فرمود «ای علی؛ تو و شیعیانت در بهشت هستید»: جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۶۴. مضمون این روایت در کتب شیعی نیز وجود دارد. مانند: بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۲۵ و ۱۳۶.

جانشینی پیامبر انتخاب کنند، هیچ کس شایسته‌تر از علی علیه السلام برای چنین جایگاهی نبود. در ادامه به برخی از ویژگی‌های منحصر بفرد امیر مومنان اشاره می‌گردد:

- **پاکدامنی اجداد:** علی علیه السلام که عموزاده‌ی پیامبر خاتم بود، از نسلی پاک و برجسته به دنیا آمد. اجداد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام همگی خداپرست و پیرو دین جدشان ابراهیم علیه السلام بودند. ایشان به دلیل خدمات متعددی^۸ که برای رفاه و خوشبختی مردم داشتند و همچنین به سبب روحیه‌ی عدالت خواهی و دفاع از حقوق مظلومان، همواره محبوب بودند و موقعیت اجتماعی برجسته‌ای داشتند.

۹

- **اعجاز تولد:** علی علیه السلام تنها فرد در کل تاریخ است که از سوی خداوند متعال اجازه یافت در خانه‌ی مقدس کعبه به دنیا بیاید. آن هم به گونه‌ای معجزه آسا! دیوار کعبه مقابل چشم حاضران شکافته شد و فاطمه بنت اسد که به علی باردار بود، داخل کعبه راه یافت. پس از ورودش، دوباره دیوار بسته شد و تا سه شبانه روز هیچ کس نتوانست حتی از در کعبه، وارد آن شود. پس از سه شبانه روز باز دیوار شکافته شد و فاطمه بنت اسد در حالی که نوزادش (علی) را در آغوش داشت، بیرون آمد.^{۱۰}

^۸ به اعتقاد شیعیان، همه‌ی اجداد پیامبر و امیر مومنان موحد بودند. بنگرید به: بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷.

^۹ به طور نمونه، به مواردی از خدمات عبدالمطلب که پدر بزرگ حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام بود، اشاره می‌نماییم:

- عبدالمطلب چاه زمزم را که در جنگ‌های قبیله‌ای توسط یکی از سران قبایل کور شده بود، مجدداً احیاء نمود و آن را رایگان در اختیار مردم قرار داد: البداية و النهاية (ابن کثیر)، ج ۲، ص ۲۴۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۶؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۴۵.

- هنگامی که یکی از بستگان عبدالمطلب، مردی یهودی را به سبب آزار و اذیت‌هایی که داشت، کشت، عبدالمطلب به شدت ناراحت شد و با او قطع رابطه نمود و کوشید خون بهای یهودی را از وی بگیرد و به بازماندگان مقتول برساند: الکامل فی التاریخ (ابن اثیر)، ج ۲، ص ۱۵.

^{۱۰} ماجرای شکافته شدن دیوار کعبه و ولادت علی بن ابیطالب در خانه‌ی خدا مورد وثوق و تایید مورخان و محدثان شیعی و سنی است. به عنوان نمونه به موارد ذیل اشاره می‌گردد:

- حاکم نیشابوری، که همه‌ی بزرگان اهل سنت او را مورد اعتماد و استناد دانسته‌اند، می‌نویسد: "روایات متواتر است که فاطمه بنت اسد، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب را در خانه کعبه به دنیا آورده": مستدرک الصحیحین، حیدرآباد هندوستان، ۱۳۲۴، ج ۳، ص ۴۸۳.

- محمود آلوسی (صاحب تفسیر آلوسی) می‌نویسد: "ولادت امیرمؤمنان کرم الله وجهه در درون کعبه، در سراسر دنیا مشهور است و در کتابهای هر دو فرقه شیعه و سنی روایت شده و هرگز در مورد غیر ایشان چنین فضیلتی ثابت نشده": سرح الخریده الغیبه فی شرح القصیده العینیة، ص ۱۵.

- شیخ صدوق از دانشمندان شیعی می‌نویسد: "فاطمه بنت اسد مادر امیر مومنان که نه ماهه به ایشان باردار بود، جلو[ی کعبه] آمد در حالی که درد وضع حمل بر او چیره شده بود عرض کرد: پروردگارا، من به تو و به آنچه از نزد آمده اعم از رسولان و کتب آسمانی مؤمن هستم، کلام جدّم ابراهیم خلیل علیه السلام را تصدیق داشته و قبول دارم که او بیت عتیق (کعبه) را بنا نهاده، پس به حقّ کسی که این بیت را

- **تربیت به دست پیامبر:** از همان کودکی، علی بن ابیطالب در خانه‌ی پیامبر و تحت سرپرستی او تربیت شد.^{۱۱} لذا هیچ کس به اندازه‌ی علی بن ابیطالب از سجایای اخلاقی رسول خدا همچون صداقت، امانتداری، انسان دوستی، جوانمردی و ... تاثیر نگرفت و بهره مند نشد.

- **اولین مسلمان:** به اتفاق نظر عموم مورخان، هنگامی که رسول رحمت برای بیداری و هدایت مردم جاهل، بت پرست و بی اخلاق به نبوت مبعوث شد، علی علیه السلام نخستین مردی بود که به پیامبر ایمان آورد.^{۱۲}

- **حامی همیشگی پیامبر و دین خدا:** به دلیل سرسختی مشرکان مکه و مساعد نبودن جو حاکم بر جامعه برای کنار گذاشتن بت‌ها، رسول اکرم تا سه سال پس از بعثت، به صورت مخفیانه مردم را به اسلام دعوت می‌کرد.^{۱۳} در تمام این مدت، علی و خدیجه (همسر دل‌بند پیامبر) تنها حامیان رسول خدا در مسیر بیداری مردمان بودند.

- **معرفی به عنوان جانشین در نخستین دعوت رسمی:** پس از سه سال، پیامبر مأموریت یافت دعوت خود را آشکارا اعلام کند. برای شروع، به فرمان خدا مهمانی‌ای ترتیب داد و خویشاوندانش را که همگی از بزرگان مکه بودند، دعوت کرد. سپس در آن مجلس پس از تبیین رسالتش همگان را خطاب قرار داد و فرمود: «چه کسی مرا در این رسالت یاری می‌کند تا وصی و وزیر و جانشین من گردد؟» به اقرار عموم مورخان، در میان جمع، تنها علی علیه السلام برای حمایت پیامبر و پشتیبانی از مأموریت الهی ایشان داوطلب شد. پیامبر، سه مرتبه درخواستش را مطرح نمود و هر سه بار جز علی کسی برای یاری‌اش اعلام آمادگی نکرد. بدین ترتیب در نخستین دعوت رسمی و علنی به اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی را به عنوان وصی، وزیر و جانشین خود معرفی فرمود.^{۱۴}

ساخته و به حق مولودی که در شکم دارم ولادتش را بر من سهل و آسان نما ... کعبه، از پشت شکافت و فاطمه بنت اسد داخل بیت گردید و از دیدگان پنهان شد و دیوار هم آمد، اراده کردند قفل درب خانه خدا را بگشایند ولی در باز نشد. دانستند که این امر از جانب خدا است، سپس بعد از گذشت چهار روز در حالی که امیر مومنان در دست آن بانو بود از بیت خارج شد ...: علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

^{۱۱} المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۶۶، ج ۶۴۶۳؛ السیره النبویه (ابن هشام)، ج ۱، ص ۲۶۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۳؛ علل الشرائع، ص ۱۶۹؛ مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۱۷۹؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۰۵.

^{۱۲} نخستین زنی که دعوت حضرت محمد به اسلام را پذیرفت، همسر مکرمه‌ی ایشان - بانو خدیجه سلام الله علیها - بود. به عنوان نمونه بنگرید به: اسد الغابة (ابن اثیر جزری)، ج ۵، ص ۴۳۴ و بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۱.

و نخستین مردی که اسلام آورد، علی بن ابیطالب بود. به عنوان نمونه بنگرید به: مسند احمد، ج ۵، ص ۶۶۲، ج ۱۹۷۹۶ و بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۱.

^{۱۳} مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب)، ج ۱، ص ۴۳.

^{۱۴} بنگرید به منابع مورد وثوق اهل سنت مانند: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۲ و ۶۳؛ کامل (ابن اثیر)، ج ۲، ص ۴۰ و ۴۱؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۱ و همچنین منابع شیعی مانند: بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۱۵ و ۲۱۶؛ و علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۷۰.

- **شهادت خدا بر پاکی علی علیه السلام:** پیامبر همواره بر تقوا و پاکی علی بن ابیطالب تاکید می‌کرد^{۱۵} و خداوند نیز در آیهی تطهیر بر عصمت علی علیه السلام گواهی داد!

- **دفاع همیشه‌گی و شجاعانه از حق:** علی علیه السلام همیشه با شجاعت تمام، در جنگ‌هایی که دشمنان حق و راستی علیه ایمان آورندگان به خداوند یگانه به راه می‌انداختند، حامی و همراه رسول خدا و مردم بی پناه بود.

۱۷

- **پیش مرگ رسول:** در شبی که مشرکان قبایل مختلف، در یک توطئه‌ی هماهنگ، قصد ترور پیامبر را داشتند، جبریل (فرشته‌ی وحی) رسول خدا را از این نقشه آگاه کرد و ایشان نیز ماجرا را به علی بن ابیطالب گفت. هنگامی که تروریست‌ها شبانه به خانه‌ی پیامبر هجوم آوردند تا ناجوانمردانه رسول رحمت را در خواب قطعه قطعه کنند، به جای پیامبر، علی بن ابیطالب را در بستر دیدند. او با به خطر انداختن جان‌ش در جای پیامبر خوابیده بود تا جان رسول خدا و آینده‌ی اسلام در امان بماند.

^{۱۵} به عنوان نمونه در روز غدیر، پیامبر علی بن ابیطالب را به همگان نشان داد و فرمود: "مَعَاشِرَ النَّاسِ، ... هُوَ النَّبِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي" یعنی: ای مردم ... اوست با تقوای پاکیزه هدایت کننده‌ی هدایت شده: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۰.

^{۱۶} "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا" یعنی: همانا خداوند اراده کرده تا هرگونه رجس و پلیدی را از شما اهل بیت علیهم السلام دور کند و شما را کاملاً پاک نماید: قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۳۳. ده‌ها نفر از علمای اهل سنت، این آیه را در شأن رسول خاتم، دخترشان فاطمه زهرا، علی بن ابیطالب، حسن و حسین دانسته و به پاکی و عصمت ایشان بر اساس این آیه اقرار نموده‌اند. به عنوان نمونه ترمذی در صحیحش از عمر بن ابی سلمه نقل می‌کند که گفت: "نزلت هذه الآية على النبي صلى الله عليه وآله وسلم: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» في بيت أم سلمه، فدعا النبي فاطمة وحسنا وحسينا فجلبهم بكساء وعلى خلف ظهره ثم قال: اللَّهُمَّ هؤلاء اهل بيتي فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا" یعنی: هنگامی که آیه تطهیر بر پیامبر در خانه‌ی ام سلمه نازل شد، پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین را دعوت کرد و سپس عبایش را بر روی آنان کشید و عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند. پس رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک فرما: صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۷. ؛ از منابع شیعی نیز می‌توان به عنوان نمونه رجوع کرد به: تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۴۲. ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب.

^{۱۷} "علی (ع) از آنان بود که در جنگ احد هنگامی که مردم گریختند، پایداری کرد و همراه پیامبر (ص) باقی ماند و تا پای جان و مرگ با پیامبر (ص) بیعت کرد ... در هیچ یک از جنگ‌های رسول خدا از شرکت در آن خودداری نکرد مگر جنگ تبوک که پیامبر (ص) او را در مدینه برای مواظبت از خانواده‌اش گماشت": طبقات ابن سعد، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۱۶.

^{۱۸} در تمجید از این رفتار علی بن ابیطالب این آیه از قرآن کریم نازل شد: "وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ" (سوره بقره، آیه ۲۰۷). یعنی: برخی مردانند که از جان خود در طلب رضایت خداوند درگذرند و خداوند دوست‌دار چنین بندگان است.

در منابع سنی چنین آمده که: "نزلت الآية في علي حين هرب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من المشركين الى الغار مع ابي بكر و نام على فراش النبي صلى الله عليه وآله وسلم" یعنی: این آیه در شأن علی نازل شد، هنگامی که

- **علی و حق:** علی یگانه شخصیتی است که پیامبر درباره‌اش فرمود: «علی با حق است و حق با علی است»^{۱۹} و در حقیقت اینگونه دعا کرد: «بارخدا یا؛ حق را گرداگرد علی بگردان هر جا که علی قرار گرفت»

- **سقاوت علی:** علی علیه السلام با زبان روزه کارگری می‌کرد و دستمزدش را به نیازمندان می‌بخشید. غذای افطارش را هم به گرسنگان می‌بخشید و خود از گرسنگی سنگ بر شکم می‌بست. بخشش و سخاوتمندی او تا آنجا بود که خداوند هم در قرآن کریم از ایثار او تمجید کرد.^{۲۰}

- **کشتی نجات:** پیامبر، علی و یازده هدایتگر از نسل علی را کشتی نجات امت معرفی کرد و فرمود آنها مانند کشتی نوح هستند که هر که سوارش شود، نجات می‌یابد و هر که تخلف ورزد، غرق می‌گردد.^{۲۱}

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دست مشرکین با ابوبکر به غاری پناه برد، علی در رخت خواب پیامبر خوابید: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۴. همچنین ابن ابی الحدید می‌گوید: "و قد روی المفسرون کلهم آن قول الله تعالی: «وَمِنَ النَّاسِ...» انزلت فی علی لیلۃ المبيت علی الفراش" یعنی: تمام مفسران، روایت کرده‌اند که آیه‌ی فوق در شأن علی علیه السلام نازل شد، آن هم در شبی که آن حضرت در رخت خواب پیامبر آرمیده بود؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۶۲.

علمای شیعه نیز همگی این آیه را در شأن امیر مومنان و مرتبط با «لیلۃ المبيت» یعنی شبی که امیر مومنان در بستر رسول خاتم خوابید تا جان پیامبر در امان بماند، می‌دانند. به عنوان نمونه بنگرید به: الامالی (طوسی)، ص ۴۴۶؛ مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۶۴ و ۶۵.

^{۱۹} "عَلِيٍّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ": تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۴۹؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۸.

^{۲۰} "اللَّهُمَّ اِدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ": مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۴؛ تفسیر فخر رازی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۴۶.

^{۲۱} به عنوان نمونه، می‌توان به آیات زیر اشاره نمود که در شأن امیر مومنان و در باب ایثار ایشان نازل شده است:

- «و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا» یعنی: و از روی دوستی خدا به مسکین و یتیم و فقیر، خوراک می‌دادند * [زبان حال شان این است که] همانا شما را برای خشنودی خدای می‌خورانیم و از شما پاداش و سپاسی نمی‌خواهیم: قرآن کریم، سوره انسان، آیه ۸ و ۹.

- «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» یعنی: کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۷۴.

^{۲۲} "إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مِّنْ رَّكِبِهَا نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ": بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۵؛ "مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مِّنْ رَّكِبِهَا نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنْهَا زَحَّ فِي النَّارِ": نه‌ایه ابن اثیر، ذیل ماده

- **صراط مستقیم:** مسلمانان در نمازهای روزانه‌ی خود، از خدا می‌خواهند آنها را به «صراط مستقیم» هدایت فرماید.^{۲۳} پیامبر برای مردم توضیح داد صراط مستقیم الهی که روزی چند بار از خدا طلب می‌کنید، علی و جانشینان او هستند.^{۲۴}

- **علم علی:** پیامبر بارها به مردم این تذکر را داد که: «من شهر علمم و علی دروازه‌ی آن است؛ هر کس که اراده کند شهر علم را دریابد، باید از درب آن وارد شود»^{۲۵}

- **معلم قرآن:** رسول خدا به مردم صریحا گفت هرکس به دنبال فهم کتاب آسمانی قرآن و کسب هدایت از آن است، باید پس از ایشان به جانشین پیامبر یعنی علی بن ابیطالب مراجعه کند:

«علی جانشین من است بر امت و بر تفسیر کتاب خدای عزّ و جلّ! او فرماندهی قرآن است که به وسیله‌ی قرآن، مردم را هدایت می‌کند»^{۲۶} هر کس مطلبی از قرآن برایش روشن نبود و از من یاد نگرفته بود، وظیفه دارد به او مراجعه کند که او نیز مانند من تمامی علم قرآن را داراست.^{۲۸}

«زج». (این حدیث را هشت نفر از صحابه، هفت نفر از تابعین و صد و پنجاه نفر از علمای اهل سنت نقل کرده‌اند.)

^{۲۳} یکی از عبارات نماز که در سوره‌ی حمد (فاتحة الكتاب) قرائت می‌شود عبارت است از: **إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** یعنی: [بارخدا!؛ ما را به راه مستقیم هدایت بفرما: قرآن کریم، سوره فاتحه، آیه ۶.

^{۲۴} پیامبر در روز غدیر خطاب به مردم فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۸۱). یعنی: ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده، و سپس علی بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت‌اند، به حق هدایت می‌کنند و به یاری حق به عدالت رفتار می‌کنند: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۲.

^{۲۵} «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا (فَلْيَأْتِ الْبَابَ)»: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۶؛ بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۰۳.

^{۲۶} «هَذَا عَلِيٌّ ... خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۹.

^{۲۷} «الْقُرْآنُ إِمَامٌ هَادٍ وَ لَهُ قَائِدٌ يَهْدِي بِهِ وَ يَدْعُو إِلَيْهِ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ وَلِيُّ الْأَمْرِ بَعْدِي ...» یعنی: قرآن پیشوایی است که هدایت می‌کند و برای آن فرمانده‌ای است که به سویی هدایت کند و با حکمت و سخن زیبا به سوی او دعوت نماید و او علی بن ابیطالب است او ولی امر بعد از من است ...: خصائص الائمة عليهم السلام، ص ۷۵.

^{۲۸} «فَمَنْ عَمِيَ عَلَيْهِ مِنْ عَمَلِهِ شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ عِلْمُهُ مِثِّي وَ لَا سَمِعَهُ فَعَلَيْهِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ قَدْ عَلِمَ كَمَا قَدْ عَلِمْتُهُ ...»: بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۶۰.

علی با قرآن است و قرآن با علی است و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر (در بهشت) بر من وارد شوند^{۲۹}...»

- **جان پیامبر:** رسول خاتم هیچ جای شکی برای دوست و دشمن باقی نگذاشت که علی نور چشم پیامبر، معتمد پیامبر، وارث و جانشین پیامبر و بالاتر از همه‌ی اینها، به تأیید قرآن کریم، علی بن ابیطالب به منزله‌ی جان پیامبر است.

- **وصیت پیامبر:** با آنکه از همان روز نخست که پیامبر مأموریت هدایت مردم را آغاز نمود، به بهانه‌های مختلف درباره‌ی علی و جانشینان پس از او صحبت می‌کرد، باز هم در آخرین سال حیاتش به امر خدا مردم را در مکانی به نام «غدير خُم» جمع کرد تا یک بار دیگر جانشینان الهی پس از خود را به مردم معرفی کند. رسول خدا در اجتماع صد و بیست هزار نفری مسلمانان که از شهرها و قبایل مختلف دعوت پیامبر را لبیک گفته بودند، به صورت رسمی علی و یازده فرزند از نسل او را به عنوان پرچم هدایت و صراط مستقیم و خلیفه و جانشین پس از خود معرفی فرمود. چکیده‌ی سخنان پیامبر در غدير و یا به عبارتی، عصاره‌ی وصیت ایشان، این بود که:

هر کس به دنبال سعادت و هدایت است، باید از این دوازده نفری که خدا برای جانشینی آخرین پیامبرش برگزیده، تبعیت کند.^{۳۰}

^{۲۹} "عَلَيَّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ...": مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۴؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۵.

^{۳۰} خداوند متعال در جریان مباحله امیر مومنان را جان (نفس) پیامبر خواند. جریان مباحله از حوادث مهم و مشهور تاریخ اسلام است که به موجب آن پیامبر اسلام (ص) با اهل بیت خود جهت «مباحله» در مقابل مسیحیان نجران قرار گرفت. قرآن در این خصوص خطاب به پیامبر می‌فرماید: «قَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۶۱). یعنی: پس هر کس درباره عیسی- بعد از علم و دانشی [که درباره عیسی] به تو رسید - با تو به محاجّه برخیزد به آنان بگو بیاوید ما فرزندان خود را بخوانیم شما نیز فرزندان خود را، ما زنان خود را [صدا زنیم] شما نیز زنان خود را، ما نفس‌های خود را [بخوانیم] شما نیز نفس‌های خود را، آن‌گاه [مباحله کنیم و] لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

شیعه و سنی بر این که مراد از «انفسنا» در این آیه علی بن ابی طالب علیه السلام است اجماع دارند. به عنوان نمونه، احمد بن حنبل نقل می‌کند: "... و لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ» دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا رَضَوَانَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي" یعنی: هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر (ص) علی، فاطمه، حسن و حسین را خواست، آنگاه عرض کرد: بار خدایا اینان اهل بیت من هستند: مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸۵. همچنین بنگرید به: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ از منابع شیعی نیز می‌توان به این نمونه اشاره کرد که امام کاظم علیه السلام (هفتمین جانشین پیامبر) فرمود: "فَكَانَ تَأْوِيلُ أَبْنَاءَنَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ نِسَائِنَا فَاطِمَةَ، وَ أَنْفُسَنَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليهم السلام)" یعنی: در این آیه مقصود از پسران ما، حسن و حسین است و منظور از زنان ما، فاطمه و مراد از نفس‌های ما، علی بن ابیطالب است: تفسیر برهان، ج ۱، ص ۶۳۰ و ۶۳۱. ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران.

فضایل و مناقب امیر مومنان بسیار بیشتر از مواردی است که به اختصار بر شمرده شد. عدالت،^{۳۲} مردم داری،^{۳۳} یتیم نوازی،^{۳۴} سخاوت و بخشندگی،^{۳۵} دفاع از مظلومان و بی پناهان،^{۳۶} ... از دیگر ویژگی‌های بارز

^{۳۱} بنگرید به [متن خطابه غدیر](#) به عنوان نمونه رسول خاتم در آن روز فرمودند: "مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ قَوْراً عَظِيماً" (قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۷۱). یعنی: ای مردم، هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۷.

^{۳۲} به عنوان نمونه‌ای از عدالت علی بن ابیطالب می‌توان به این گفته‌ی ابن ابی الحدید معتزلی به نقل از فضیل اشاره کرد که گفت: "أَكَّدَ الْأَسْبَابَ فِي تَقَاعَدِ الْعَرَبِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَمْرَ الْمَالِ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَفْضُلُ شَرِيفاً عَلَى مُشْرُوفٍ وَ لَا عَرَبِيّاً عَلَى عَجَمِيٍّ وَ لَا يَصْنَعُ الرُّؤَسَاءُ وَ أُمَرَاءُ الْقَبَائِلِ كَمَا يَصْنَعُ الْمُلُوكُ وَ لَا يَسْتَمِيلُ أَحَدًا إِلَى نَفْسِهِ وَ كَانَ مَعَاوِيَةَ بِخِلَافِ ذَلِكَ فَتَرَكَ النَّاسَ عَلِيّاً وَ التَّحَقُّوا بِمَعَاوِيَةَ" یعنی: مؤثرترین عاملی که مردم را از اطراف علی پراکنده نمود، عدالت او در تقسیم اموال بود، زیرا او اشراف را بر دیگران برتری نمی‌داد و عرب را بر عجم اولویت نمی‌داد و همچون پادشاهان با سران قبایل ساخت و ساز نمی‌کرد و هیچ کس را با بیت‌المال به سوی خود جلب نمی‌کرد ولی معاویه برخلاف او مردم را با بیت‌المال جذب می‌کرد، لذا این‌گونه افراد به سراغ معاویه می‌رفتند: شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۲، ص ۱۹۷.

^{۳۳} به عنوان نمونه‌ای از مردم داری علی بن ابیطالب می‌توان به سفارش ایشان به یکی از مسوولان اشاره کرد که فرمود: "فَاخْضِرْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ انْشُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَ لَا يَبْأَسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَذْلِكَ عَلَيْهِمْ ..." یعنی: بالهایت را برای مردم بگستر (با مردم فروتن باش)، نرمخو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش، در نگاه کردن به آنها به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند: نهج البلاغه (صبحی صالح)، نامه ۲۷، ص ۲۸۳. و شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۵، ص ۱۶۳.

^{۳۴} علی بن ابیطالب آنچنان نسبت به یتیمان، مهربانی و تواضع نشان می‌داد که وقتی مردم محبت‌های ایشان را با یتیمان می‌دیدند، می‌گفتند ای کاش ما هم یتیم بودیم: "رَأَيْتُ عَلِيًّا عَ يَدْعُو الْيَتَامَى فَيُطْعِمُهُمُ الْعَسَلَ حَتَّى قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ يَتِيماً" بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۹. ایشان در وصیت خود به شدت بر مراقبت از یتیمان تاکید نمود و فرمود: "اللَّهُ اللَّهُ فِي الْيَتَامِ فَلَا تُجِبُوا أَفْوَاهَهُمْ وَ لَا يَضِيعُوا بِخَضَرَتِكُمْ" یعنی: شما را به خدا؛ شما را به خدا که درباره‌ی یتیمان مراقب باشید. مبدا گرسنه بمانند و در جامعه‌ی شما تباه شوند: بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۴.

^{۳۵} بخشندگی و سخاوت علی بن ابیطالب تا آنجا بود که حتی دشمنانش به این موضوع اقرار داشتند. به عنوان نمونه، معاویه که با امیرمومنان دشمن بود، به مردی که برای چاپلوسی نزد او حضرت علی را فردی بخیل خوانده بود، با عصبانیت گفت: "وَيْحَكَ ... لَوْ مَلَكَ يَتِيماً مِنْ تَبَرٍّ وَ يَتِيماً مِنْ تَبْنٍ لَأَنْفَعَدَ تَبْرُهُ قَبْلَ تَبْنِيهِ وَ هُوَ الَّذِي كَانَ يَكْنُسُ بُيُوتَ الْأَمْوَالِ وَ يُصَلِّي فِيهَا وَ هُوَ الَّذِي قَالَ يَا صَفْرَاءُ وَ يَا بَيْضَاءُ عُرِّيْ غَيْرِي" یعنی: وای بر تو ... اگر علی انباری پر از طلا و انبار دیگری پر از کاه داشته باشد، اول طلا را می‌بخشد و بعد، انبار کاه را. او کسی است که همه‌ی بیت‌المال را می‌بخشید و در مکان بیت‌المال که گویا جارو زده بود به نماز می‌ایستاد و می‌گفت: ای زرد و سفید (ای طلا و نقره) کسی غیر از علی را فریب دهید: بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۴۴. ؛ سند اهل سنت: شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱، ص ۲۲.

اخلاقی علی بن ابیطالب است که دوست و دشمن بر آن اذعان داشتند. اما واقعیت این است که علی بن ابیطالب با وجود همه‌ی ویژگی‌ها و امتیازات منحصر بفردش که او را از همه‌ی هم عصرانش برای جانشینی آخرین پیامبر خدا ارجح می‌کرد، انتخاب شده توسط خود خداوند بود.

۳۷

و به راستی کدام انگیزه و دلیل برای پذیرش امیر مومنان محکم‌تر از رضایت و امر خداست؟

انحراف از تشیع

با آنکه خداوند متعال، علی بن ابیطالب را به عنوان جانشین پیامبرش انتخاب فرمود؛ و با وجودی که رسول خاتم، در همان زمان حیاتش از جمع گسترده‌ی مسلمانان بر پذیرش و پیروی از او بیعت گرفت، عده‌ای منکر جانشینی امیر مومنان شدند.

^{۳۶} به عنوان نمونه هنگامی که به علی بن ابیطالب خبر می‌رسد عده‌ای به زور، زیورآلات دختری یهودی را ربوده‌اند و مردم هیچ دفاعی از او نکرده‌اند، با ناراحتی فراوان می‌فرماید: "وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهَدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَقُلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرِعَائَهَا، مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَالْأَسْتِرْخَامِ، ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافِرِينَ، مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ، وَلَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمٌ. فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا، مَا كَانَ يَهْمُ مَلُومًا بَلْ كَانَ يَهْمُ عُنْدِي جَدِيرًا" یعنی: شنیده‌ام که یکی از تجاوزگران بر زن مسلمانی داخل شده و دیگری، خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌ی زنی از یهود را ربوده در حالی که آن زن جز آنکه از او ترحم جوید چاره‌ای نداشته است. آنها پیروزمندانه، با غنایم، بی آنکه زخمی بردارند، یا قطره‌ای از خونشان ریخته شود، بازگشته‌اند. اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، نه تنها نباید ملامتش کرد بلکه مرگ را سزاوارتر است: بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۶۴. و در وصیت نامه‌ی خود فرمود: "كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ تَاصِرًا" یعنی: برای ظالم، دشمن باشید و برای مظلوم، یاور؛ بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۴۵.

^{۳۷} خداوند متعال به رسول خاتم فرمود چنانچه دوازده جانشین پس از خود را به مردم معرفی نکند، رسالت و ماموریتش را انجام نداده: "يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ" یعنی: ای پیامبر برسان آنچه در حق علی از پروردگارت بر تو نازل شده و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده‌ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند: قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۶۷. پس از آنکه رسول خاتم به مردم تاکید کرد علی بن ابیطالب و یازده امام پس از او، انتخاب شده توسط خدا برای جانشینی رسولش هستند، یکی از میان جمع از روی کینه و دشمنی گفت: «اگر واقعا راست می‌گویی که این حرفها از جانب خداست پس خدایا، سنگی از آسمان بر ما بار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست» بلافاصله پس از آنکه این حرف را زد، سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و در جا کشته شد. با این معجزه هیچ شکی برای کسی باقی نماند که علی بن ابیطالب و فرزندان انتخاب شده‌ی خود خدا هستند. این واقعه هم در اسناد شیعی و هم در منابع سنی نقل شده است. از آثار شیعی می‌توان به «تفسیر برهان، ج ۵، ص ۴۸۴» ذیل آیات ابتدایی سوره معارج (يَسْمِ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ * سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ...) اشاره کرد. از منابع مربوط به اهل تسنن هم که به این حادثه استناد کرده‌اند نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: تفسیر غریب القرآن، حافظ أبو عبید الهروی ؛ تفسیر شفاء الصدور، أبو بکر النقاش الموصلی البغدادی ؛ تفسیر الکشف والبیان، أبو إسحاق الثعلبی النیسابوری ؛ دعاة الهداة إلى أداء حق الموالاة، الحاکم أبو القاسم الحسکانی.

چند نفری، بلافاصله پس از رحلت پیامبر، در حالی که هنوز جسم مبارک ایشان بر زمین بود، مخفیانه جلسه‌ای در خارج از شهر ترتیب دادند تا شخصی را از بین خود به سرپرستی مسلمانان برگزینند. پس از زد و خورد بسیار و دعوای چند ساعته بر سر تصاحب این منصب،^{۲۸} بالاخره یک نفر در میان‌شان پیروز شد و به عنوان جانشین پیامبر معرفی گردید.

گرچه مسلمانان دو ماه و نیم پیش‌تر،^{۲۹} اگر حضور رسول خاتم با علی بن ابیطالب به عنوان سرپرست منتخب از جانب خدا بیعت کرده و با خداوند متعال عهد بسته بودند از بیعت‌شان دست نکشند، اما عده‌ای با وعده‌های مادی و دیگری با تهدید و ارعاع به بیعت با فردی که منتخب آن جمع محدود بود، روی آوردند.

^{۲۸} رسول خاتم در روز غدیر پس از معرفی امیر مومنان به عنوان جانشین پس از خود، فرمود: "مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَالأَئِمَّةَ عَ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ بَاقِيَةٍ يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَبَرَحِمُ مَنْ وَفَى قَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (سوره فتح، آیه ۱۰)." یعنی: ای مردم، تقوای خدا را پیشه کنید و با علی امیر المؤمنین بیعت کنید و با حسن و حسین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت، به عنوان امامتی که در نسل ایشان پاک و باقی است بیعت کنید. خداوند بیعت شکنان را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می‌دهد. و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته، و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می‌فرماید: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۶.

^{۲۹} در دین اسلام، جنازه‌ی کسی که از دنیا رفته را دفن می‌کنند. هنگامی که پیامبر از دنیا رفتند، عده‌ای که به دنبال تصاحب جایگاه ایشان بودند، حتی فرصت ندادند جسم رسول خدا به خاک سپرده شود.

^{۳۰} منابع تاریخی بر اینکه عده‌ای بر سر جاشینی پیامبر با یکدیگر در گیر شدند تصریح دارند. مثلاً حباب بن منذر، از انصار، بر روی مهاجران شمشیر کشید. سعد بن عباد نیز که می‌خواست خودش جانشین پیامبر شود، در حالی که نزدیک بود زیر دست و پای مهاجران لگدمال شود، ریش عمر را گرفته بود و می‌کشید. بنگرید به: تاریخ الأمم و الملوک طبری، ج ۳، ص ۲۲۰ تا ۲۲۳؛ السیره الحلبیه حلبی، ج ۳، ص ۳۵۹؛ السیره النبویه ابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۸ تا ۳۱۰؛ ابن حبان، ج ۲، ص ۱۵۲ تا ۱۵۶.

^{۳۱} ماجرای غدیر و بیعت مسلمانان با امیر مومنان در ۱۸ ذی الحجه سال ۱۰ هجری اتفاق افتاد و پیامبر ۷۰ روز بعد (در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری) از دنیا رفتند.

^{۳۲} به عنوان نمونه شیخ مفید به نقل از ابو مخنف می‌گوید به گروهی از اعراب بادیه گفته شد در ازای بیعت با خلیفه‌ی تعیین شده به جای علی بن ابیطالب، آن چه نیاز دارید از خواربار و آذوقه - بی هیچ عوضی - بگیرید و به سوی مردم بروید و آنان را وادار به بیعت کنید و هر که امتناع کرد، بر سر و پیشانی‌اش بکوبید! راوی می‌گوید به خدا قسم دیدم که آن قبیله‌ی بدوی بلا فاصله کمربندها را محکم کردند و دستارها بر گردن حمایل نموده و با چوب دستی به مردم حمله کردند و با آن محکم به مردم می‌زدند و آنان را به زور وادار به بیعت می‌کردند: "كان جماعة من الأعراب قد دخلوا المدينة ليتمتاروا منها فشغل الناس عنهم بموت رسول الله ص فشهدوا البيعة و حضرو الأمر فأنفذ إليهم عمر و استدعاهم و قال لهم خذوا بالخط و المعونة على بيعة خليفة رسول الله ص و اخرجوا إلى الناس و احشروهم ليباعوا فمن امتنع فاضربوا رأسه و جبينه قال فو الله لقد رأيت الأعراب قد تحزمو و اتشحوا بالأزر الصنعانية و أخذوا بأيديهم الخشب و خرجوا حتى خطبوا الناس خطبا و جاءوا بهم مكرهين إلى البيعة": الجمل (مفيد)، ص ۱۱۹؛ ابن ابی الحديد معتزلی نیز می‌نویسد: "و هم محتجزون بالأزر الصنعانية لا

نتیجه‌ی چنین وقایعی جدایی بین مسلمانان و نهایتاً تفکیک ایشان به دو دسته‌ی «سنّی» و «شیعه» شد. بدین ترتیب عده‌ای که بر اعتقاد خود مبنی بر جانشینی و رهبری علی بن ابیطالب به امر خدا، باقی ماندند، «شیعه‌ی علی» خوانده شدند.

با آنکه ظاهراً سیر جدایش اهل سنّت از تشیّع، با موضوع حکومت و مسائل سیاسی آغاز شد اما اختلافات میان این دو دسته از مسلمانان به مسائل دینی، اعتقادی و حتی فرهنگی - اخلاقی کشیده شد. چراکه شیعیان در مسائل اعتقادی و دستورات دینی به امیر مومنان و امامان پس از او که از جانب خدای متعال معرفی شده بودند، مراجعه می‌کردند؛ اما اهل سنّت از هر کس که پیامبر را دیده بود (اصطلاحاً صحابی پیامبر بود) تبعیت می‌کردند. در حالی که لزوماً عدالت، صداقت و علم همه‌ی اصحاب مورد تأیید خدا و رسولش نبود و به شهادت تاریخ، گاهی اصحاب در شناخت ابتدایی‌ترین احکام دینی هم جهل داشتند.^{۴۳}

با وجود آنکه اصول اعتقادی و فقهی شیعه اصلاتی الهی داشت و با آموزه‌های پیامبر و همچنین عقل و وجدان منطبق بود، اما به دلیل فشارهایی که از سوی خلفا بر آنان بود، شیعه همواره در اقلیت بود و عقاید شیعیان برای مردم جهان ناشناخته ماند.

در این درسنامه تلاش شده خلاصه‌ای از مبانی اعتقادی شیعی بیان گردد تا جهانیان با حقیقت اسلام و تشیّع آشنا شوند.

نکات مهم این جلسه:

یمرون باحد الاخطوه، و قدموه فمدوا یده فمسحوها علی ید ابی بکر بیایعه، شاء ذلک او ابی" یعنی: و آنها (بنی اسلم) که خود را با پوشش‌های صنعتی پوشانده بودند به هیچ کس برخورد نمی‌کردند مگر آنکه او را به سختی می‌زدند و [سپس به نزد خلیفه‌ی تعیین شده] می‌آوردند و دستش را می‌کشیدند و بر روی دست ابوبکر مسح می‌دادند تا بیعت کرده باشد، هرچند که او خودش می‌خواست و یا خودداری می‌کرد؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱، ص ۲۱۹.

^{۴۴} به عنوان مثال، هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت، به این موضوع پرداخته شده که خلیفه‌ی دوم (عمر بن خطاب) در موارد متعددی حکم صحیح اجرای مسائل را نمی‌دانسته و هنگامی که حضرت علی علیه السلام پاسخ را تبیین فرموده، عمر اقرار نموده: «لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ» یعنی اگر علی نبود، عمر هلاک شده بود. یکی از این موارد، ذیل دستور عمر به کشتن زنی بود که فرزندش شش ماهه به دنیا آمده بود و به همین دلیل شوهرش به او تهمت زده بود که حتماً قبل از ازدواج با او با فرد دیگری رابطه داشته و این بچه، فرزند او نیست. وقتی حضرت علی متوجه شد عمر چنین حکمی داده سریعاً مداخله نمود و با استناد به آیه‌ی قرآن امکان تولد کودک در شش ماهگی را اثبات کرد. بدین ترتیب آن مادر بیگناه، از کشته شدن در اثر حکم نابجای عمر جان سالم به در برد. بنگرید به: استیعاب (ابن عبدالبر)، ج ۳، ص ۱۱۰۳؛ بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.؛ غیر از اینگونه موارد، اصحاب در تبیین و فهم آیات قرآن نیز دچار مشکل و سردرگمی بودند. به عنوان نمونه وقتی از ابوبکر (اولین خلیفه‌ای که بر مسند جانشینی پیامبر نشست) درباره‌ی معنای آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی عبس سوال کردند، معنایش را نمی‌دانست و ناگزیر شدند به حضرت علی علیه السلام مراجعه نمایند؛ بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۴۷.

- معنای لغوی «شیعه»، یاور، تابع و پیرو است اما به تدریج، این لفظ، معنای اصطلاحی ویژه‌ای پیدا کرد و تنها به پیروان علی بن ابیطالب اطلاق گردید.
- مؤسس شیعه در اسلام، شخص رسول خاتم بود.
- علی بن ابیطالب با وجود همه‌ی ویژگی‌ها و امتیازات منحصر بفردش که او را از همه‌ی هم عصرانش برای جانشینی آخرین پیامبر خدا ارجح می‌کرد، انتخاب شده توسط خود خدا بود.
- با آنکه مسلمانان در حضور رسول خاتم با علی بن ابیطالب به عنوان سرپرست منتخب از جانب خدا بیعت کرده بودند، اما برخی با وعده‌های مادی و دیگری با تهدید و ارباب، منکر جانشینی او شدند.
- سیر جدایش اهل سنت از تشیع، ظاهراً با موضوع حکومت و مسائل سیاسی آغاز شد اما اختلافات میان این دو دسته از مسلمانان به مسائل دینی، اعتقادی و حتی فرهنگی – اخلاقی کشیده شد.
- چون شیعیان به دلیل فشارهای وارده از سوی خلفا همواره در اقلیت بودند، عقاید و باورهایشان برای مردم جهان ناشناخته ماند.

